

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

صبحی مبارک است نظر بر جمال دوست.

نهال دوستی بنشان که فردامان به کار آید درخت دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد این عید سعید را خدمت شما تبریک می‌گویم و همچنین خدمت حضرت صادق علیه السلام که خود را در این روز، در این عید، تقریباً همراه می‌دانستند و با دادن دعاها، در مراسم ایرانیان شرکت کردند. یک ذره از اهمیت عید نوروز نباید در نظر ما کم شود و یک ذره از عبارات بزرگان اسلام و آداب اسلامی، از نظر ما محو نمی‌شود. ما عید نوروز را عید می‌گیریم برای اینکه اجداد ما از چند هزار سال پیش عید می‌گرفتند. در مقابل، عید قربان و عید فطر هم داریم، آنها را هم مقدس می‌دانیم و حتی اگر مثلاً ایام عزای ما، نزدیک عید نوروز بود، مراسم عید نوروز را اندکی کمتر می‌کنند و به روزهای دیگر انتقال می‌دهند برای اینکه نمی‌خواهند از اهمیت هیچکدام کاسته بشود. بنابراین انسان تعجب می‌کند از اینکه بعضی‌ها این یکی را بر آن ترجیح می‌دهند یا آن یکی را بر این ترجیح می‌دهند. اینها را نمی‌شود ترجیح داد، ما دو چشم داریم. کدام چشم را دوست داریم؟ هر دو چشم است.

همانطوری که دین اسلام دین صلح است و اساس و مغز اسلام هم که عرفان باشد، دین صلح است و سلامت، ان شاء الله در کره‌ی زمین، به عکس آنچه اکنون می‌بینیم، از اینکه هزینه‌ها و ثروت‌هایشان را خرج تانک، توپ و تفنگ و... بکنند، منصرف بشوند. در صلح زندگی کنند. همه‌ی ما بندگان خدا و مصنوع خداوند هستیم. خداوند خالق است که تمام مخلوقش را دوست دارد. برای اینکه اگر دوست نداشت، نمی‌آفرید. خداوند هر که را آفریده، دوست دارد، مثل مجسمه‌سازی که همه‌ی مجسمه‌ها ولو قشنگ هم نباشد، دوست دارد. ما هم ان شاء الله همانطور که مورد این لطف خداوند هستیم، لیاقت پیدا کنیم که مورد لطف خاص او قرار بگیریم، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح سه‌شنبه ۱۳۹۱/۱/۱، جلسه برادران ایمانی)

\*\*\*\*\*

در مسأله‌ی نحوست ایام، البته همه‌ی ادیان یا همه‌ی افکار، خواستند این مسأله‌ی اعتقاد به نحوست را حذف کنند. ولی این چیزی است که صحّت و واقعیت ندارد. درست است خداوند تمام روزها را مثل هم قرار داده، ولی بحث در واقعیت یک امری نیست که آیا واقعاً این روز نحس است یا نه؟ نه، هیچ روزی نحس نیست. فقط هر روزی را که خودتان نحس بدانید، آن روز نحس است، هیچ روزی را نحس ندانید. این ایام اول عید در واقع، سیزدهم ختم عید است که به زندگی معمولی بپردازید... بنابراین به هیچ وجه صحبت نحس و غیر نحس و خرافات و اینها نیست. بشرها نیاز دارند به اینکه یک مبدایی و یک تکیه‌گاه مشترکی بین خودشان برقرار کنند. این تکیه‌گاه گاهی به صورت خرافاتی ممکن است در بیاید که در آن صورت آنها هیچ عقیده‌ی محکمی مانند عقیده‌ای که به دین و خداوند و اینها داشتند، راجع به آن ندارند. کما اینکه می‌بینید در همین سیزده‌بدر که همه می‌گویند نحس است، همه این حرف را می‌زنند ولی همه‌کاری هم می‌کنند، هیچ مانعی در این روز نمی‌بینند. فقط بهانه‌ای است برای استراحت و رفع خستگی و مهر خاتمه به تعطیلات زدن. منتها هر

چند وقتی، چون بشر تقریباً رو به این رفته تا حالا که همه‌ی کارها را سیاسی بداند، از لحاظ سیاسی گفته‌اند فلان روز نحس است. ولاً تمام روزهایی که خداوند آفریده، مثل هم است، یکسان است، هیچ تفاوتی ندارد. هیچ روز نحسی هم نیست. نحسی‌ای اگر وجود دارد از خود ماست. کما اینکه مبارکی هم اگر وجود دارد از خود ماست و ما سعی کنیم که از شخص ما نحسی نیاید، روزی نحس تلقی نشود. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه ۱۳۹۱/۱/۲، جلسه برادران ایمانی)**

\*\*\*\*\*

در مورد عادت و تکرار، از لحاظ روانشناسی، عده‌ای می‌گویند تکرار و عادت مفید است برای اینکه تکرار و عادت موجب می‌شود که یک بار سنگینی از فکر برداشته بشود. یک کاری که روی عادت انجام می‌دهیم، در موردش نیروی فکری مصرف نمی‌کنیم و نیروی اصلی انسان هم همین نیروی فکری است ولی عده‌ای می‌گویند که هیچ عادت را نباید تحمیل کرد یعنی یاد داد و به‌قول آن نویسنده می‌گوید به فرزند خودتان، به آن کسی که تربیت می‌کنید، فقط یک عادت یاد بدهید و آن این است که به هیچ چیزی عادت نکند. اما از نظر ما خود عادت، بالفلسه نه خوب است و نه بد... اگر به عبادت، عادت کنیم، تا یک حدی مفید است ولی زیاده‌تر از آن حدش، آن حکمتی را که در عبادت لازم دارد از بین می‌برد... و خیلی‌ها باز انتقاد می‌کنند بر این عادت شدن عبادت، جهتش هم این است که می‌گویند عادت، عمل بدنی و تکراری‌ای است که انجام می‌دهیم، هیچ در موردش تفکر و اندیشه نمی‌کنیم و حال آنکه عبادت باید با تفکر و اندیشه توأم باشد.

در عادت که از روی تکرار عبادت به دست می‌آید هر مرتبه، به یک قسمتی، به یک نکته‌اش عادت می‌کنیم و تکرار می‌کنیم. بنابراین از این حیث هیچ انتقادی بر آن وارد نیست و عبادت را باید آنطوری انجام داد که انجام شدنش عادت بشود، نه اینکه فکرش عادت بشود. یعنی عادت می‌کنیم که اذان صبح بلند شویم، نماز صبح بخوانیم، آن نمازی که می‌خوانیم هر مرتبه یک سوره‌ای و متفاوت باشد که در خود عبادت، عادت نکنیم. یعنی عادت کنیم که خودمان را ملزم کنیم که برای نماز بلند شویم.

ما چه در عبادت فایده ببینیم یا نبینیم، عبادت را باید انجام بدهیم و آن فایده‌ای که خدا در آن مقرر کرده، به هر جهت به ما می‌رسد، ان شاءالله. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه ۱۳۹۱/۱/۲، جلسه برادران ایمانی)**

\*\*\*\*\*

خداوند در هر مورد مصلحت بشر را، به خودش گفته بنابراین حکمی که آمده، حکمی است که مصلحت بشر هم در آن هست. ما به احترام اینکه درست است، برای مصلحت ماست و خداوند حکم فرستاده به آن حکم احترام می‌گذاریم. همه‌ی احکام از عبادت و غیر عبادت همه همینطوری است... ما اشتباه نکنیم، نگوئیم چون جامعه مصلحتش اینطور بود این کار را کرد، نه! ما می‌گوییم چون حکم الهی اینطوری بود این کار را کرد. این بستگی به نیت است... خدا یک کاری کرده که همه از نیت هم خبر نشوند. بنابراین ما هر کاری که

می‌کنیم اگر با نیت اطاعت امر خداوند باشد، خودش برای ما یک نمازی است... به هر جهت ما خودمان باید احکام را اجرا کنیم. به این نیتی که خداوند فرموده است، اجرا کنیم و حتی آن احکامی که ظاهراً به خود ما مربوط است. فرض کنید وصیت و ارث احکامی است، خداوند مالی داده، خودش هم گفته این مال، مال شما. بعد خودش می‌گوید بعد از مرگ چطوری تقسیم بشود. ما حق نداریم عوض کنیم. این است که به اتفاق آراء همه می‌گویند کسی حق ندارد یکی از ورثه‌اش را محروم کند یا یک نفری که وارث نیست او را وارث قرار بدهد. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۱/۱/۵، جلسه برادران ایمانی)**

\*\*\*\*\*

قرآن مثال زده **كَمَثَلِ الْجُمَارِ يُحِيلُ** (سفره، ۵) می‌گوید مثل یک باربری که مقداری بار می‌برد. آن اشخاصی که بار آنها، بار علمی است و آنها مثل یک حماری هستند، این را البته مثال زده ولی در زندگی می‌بینیم کسانی که خیلی ظاهراً دانشمند هستند نمی‌دانم خیلی چیزها، کتاب‌ها حفظ کرده‌اند، ولی فهم ندارند. چاشنی همه‌ی این کتاب‌ها یا اعتقادات یا حرف‌ها، فهم مطلب است. فهم هم غیر از حفظ و اطلاع بر یک چیز است. خیلی‌ها از لحاظ علمی در سطح خیلی بالایی هستند ولی از لحاظ فهم در سطح خیلی پایین و این تشخیص فهم و همچنین ضرورت فهم در درک مسائل مذهبی و درک به اصطلاح شریعت و طریقت، ظاهر و معنی خیلی مهم است. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح یکشنبه ۱۳۹۱/۱/۶)**

\*\*\*\*\*

به هر اندازه‌ای که به ذکر و فکر توجه کنیم، تمرکزی به همین درجه پیدا می‌شود. اگر آنطوری که دستور دادند بیشتر اوقات به آن توجه کنیم کم‌کم این تمرکز حواس طبیعی می‌شود، برای ما فطری می‌شود. حالا این تمرکز حواس خودش دعایی هست؟ نمازی هست؟ روزه‌ای؟ ممکن است این ایراد را بگیرند که آمدیم تمرکز حواس کردیم، چه فایده؟ برو نمازت را بخوان، روزهات را بگیر و اینها بهتر از این است. درست است. ولی تمرکز حواس که می‌گوییم خودش هدف نیست، وسیله است... هر چه تمرکز حواس بیشتر حاصل بشود، بیشتر توجه می‌کنید و باز دومرتبه تمرکز شما زیاده‌تر می‌شود. این است که ذکر و فکر با هم است و اما خیلی‌ها تمرکز را ممکن است در خیلی کلاس‌هایی مثل کلاس سخنوری، کلاس ورزش، کلاسی هم باشد به شما تمرکز حواس یاد بدهد و مجال بدهد درست است. روی چه تمرکز می‌کنید؟ تمرکز یعنی یک فکری، یک ایده‌ای، تمام وجود غیر بدنی انسانی را در بر می‌گیرد. روی چه تمرکز می‌کنید؟ مثلاً یکی از من در مورد مدیتیشن پرسید، گفتم چیز معمولی است، من منع نمی‌کنم ولی دستور کارهایی است که خودتان بخواهید می‌توانید بکنید. (خودش اهل مدیتیشن بود) گفت پس شما مدیتیشن می‌کنید؟ گفتم تفاوت این است که شما مدیتیشن می‌کنید بعداً می‌آید بیرون وقتی یاد گرفتید، مدیتیشن می‌کنید به همه نشان می‌دهید. ما فقط وقتی مدیتیشن می‌کنیم که می‌خواهیم فکرمان متوجه خداوند باشد. یعنی مدیتیشن هدف ما نیست، مدیتیشن برای ما وسیله است و اما تمرکز را روی وجود خداوند می‌کنیم. وجود خداوند که با نوشته‌ها و کتابها کافی

<p>بند سوم از بیانیه نوزدهم ۱۳۹۱</p> <p>تاریخ: سه شنبه ۲۷ ریح الثانی ۱۴۳۳ قمری</p> <p>مطابق با اول فروردین ۱۳۹۱ شمسی</p>	<p>یکی از آثار مستقیم، نه غیر مستقیم از حضور در مجالس فقر و درویشی که مورد نظر است، آشنایی با اصول اسلامی و آشنایی با مشیت الهی است.</p> <p>حضور مرتب و مستمر در مجالس فقری شب‌های جمعه و دوشنبه و رعایت نظم و سکوت و حال توجه و مراقبه در مدت زمان مجلس دارای نتایج و فواید زیادی</p> <p>برای فقرا بوده و مرتباً یادآور تعهدات اخلاقی فقیر است و همچنین نشان‌دهنده همدلی و همبستگی و انسجام و وحدت فقر است.</p>	<p>۱۲۱</p> <p>یادآوری قسمتی از بیانیه‌های</p> <p>حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب علیشاہ)</p>
--	--	--

نیست... چون به کلام در نمی آید، ما یاد او می کنیم خوشیم؟ اما ما یاد او می کنیم چه توقع داریم؟ خدا گفته فَادْكَرُونِي اَدْكَرُكُمْ (بقره، ۱۵۲) یاد من بکنید من هم یاد شما کردم و یاد شما می کنم. ما می خواهیم که هیچ فکر اضافی، فکر غیر ارادی به وجود ما راه پیدا نکنند... این است که می خواهیم این تمرکز حواس ایجاد بشود روی وجود خداوند نه روی این مشکلاتی که الان دارید و همه ی افکار شما روی این مشکلات می رود، می خواهیم یک خرده از این مشکلات کناره بگیرید و مشکل شما این باشد که چطوری یاد خدا بکنید؟ این تمرکز حواس است. اگر کم کم اینطور شد، دیگر محتاج به ارادی بودن هم نیست. همیشه در خاطر شما هست... البته درجات عالی آن وقتی است که برای انسان ها حاصل نمی شود مگر برای معصومین شده باشد. پیغمبر فرمود سَيُطَانِي اَسْلَمٌ يَدِي، یعنی همه ی افکار متفرق به دست من تسلیم شده، در اختیار من است این هدف ذکر دوام و فکر مداوم که می گویند همین است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه ۱۳۹۱/۱/۹)



همه ی ما فقرا در رحلت آقای حایری عزا داریم و به هم تسلیت می گوئیم، ولی باید از هر امری در راه سلوک استفاده کنیم، نشان دهنده ی این است که خداوند هر چند وقتی یکی از بندگان خودش را نشان می دهد و یک تجلیاتی، جلوه هایی، خداوند از خودش در آن موجود قرار می دهد که ما را جذب می کند، یعنی ما را از غفلت های آنی، غفلت های مقطع درمی آورد و یک مدتی ما را بیدار می کند ما باید بدانیم به عمق ضمیرمان که این جلوه های خدایی هر چند وقتی هست و چون آن جلوه در موجودات فناشدنی ظاهر می شود، بعد با خود آن موجودات که فنا شدند، دیگر آن جلوه نیست، یک حالت خلاء کمی در ما ایجاد می شود ولی بدانیم که نه! اینها جلوه های خداوند است، هر وقت به یک صورتی برای مدتی کوتاهی ظاهر می شود که ما را از غفلت در بیاورد، ولی باید بدانیم که ادامه اش، خود ما در دل ما، باید ادامه پیدا کند... اینهایی که آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (بقره، ۲۵ و...) ایمان به خدا و ایمان به خلقت خدا آوردند و بعد هم منطبق با آن خلقت کار می کنند، یعنی وقتی دانستند خداوند آنها را آفریده، فکر می کنند این خداوند چه می خواهد؟ هر چه می خواهد همان را انجام می دهند. إِنَّ الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ (بقره، ۲۷۲ و...) اینهایی که این حالت را دارند برای دیگران به منزله ی سنگ هایی هستند که نور پخش می کنند، اینها به منزله ی آنها هستند ولی نورانیت را از این مراحل که رد شدند جذب کردند و نگه داشتند، انسان هایی هستند که در آن عالم جسمانی تنها نماندند، غیر از آن عوالم جسمانی، یک عوالم معنوی هم دارند که دیگران از آن استفاده می کنند... یعنی آنها از بین نرفته اند، آنها زنده اند و نگاه به کارهای ما می کنند، به خصوص کارهایی که راجع به خودشان باشد، این است که باید به یاد گذشتگان بود اَدْكَرُكُمْ مَوْتَاكُمْ بِالْحَيْرِ، رفتگانتان را با یاد خیر، خاطره ی خیر یاد کنید، برای این است که آنها در واقع از بین نرفته اند. به هر جهت من از رفتن آقای حایری هم به شما، فقرا و به خودم تسلیت می گویم و ان شاء الله خداوند ما را لایق آدم های حسابی و خوب بکند که در جامعه ی ما فراوان باشند، ان شاء الله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۱/۱/۱۲، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تائب (مجدوب علی شاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه نذول / شرح فریاشات حضرت سجاد (ع) / شرح رساله حقوق / شرح فریاشات حضرت صادق (ع) / تفسیر مصباح الشریع و منقح التحقیق / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده، حقوق مالی و عشیره، نغمه شبات با کزیده های از بیانات) / کتابت عرفانی (مجموعی پنج نامه) / مجموعه دستور العمل ها و بیانیه ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعی صحابه) / منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرماید.